

زیربناهای تمدنی در بیانیه گام دوم و مبانی و حیانی آن

یدالله حاجی زاده^۱

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب که از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به مثابه منشوری در جهت خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی ارائه شده، شامل راهبردهای اساسی است که عمل به آنها می‌تواند جامعه اسلامی ما را به آرمان بزرگش یعنی تمدن نوین اسلامی رهنمون شود. توجه به زیربناهای تمدنی در این بیانیه ارزشمند و استخراج زیربناهای قرآنی آن، موضوعی است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. سوال اساسی که در این نوشتار به آن پرداخته شده چنین است: زیربناهای تمدنی در بیانیه گام دوم انقلاب چه مواردی هستند و آیا می‌توان گفت این زیربناها دارای مبانی و حیانی هستند و اگر چنین است این مبانی و حیانی کدامند؟ واکاوی موضوع با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد در بیانیه گام دوم انقلاب، به مهم‌ترین امور زیربنایی تمدن یعنی علم و دانش، اخلاق و معنویت، اقتصاد، خردگرایی، بهره‌گیری از تجربه گذشته و امنیت توجه شده و تمامی این امور دارای مبانی قرآنی هستند. علاوه بر این موارد، در بیانیه مذکور به اموری چون امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده و بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت مردمی نیز توجه شده و این موارد نیز هر چند توسط اندیشمندان تمدنی به عنوان امور زیربنایی تمدن چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، اما در جای خود از اهمیت برخوردارند و همانند موارد گذشته، دارای زیربناهای و حیانی هستند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی، مبانی و حیانی.

^۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ایمیل: y.hajizadeh@isca.ac.ir.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که ناظر به آغاز چهل ساله دوم انقلاب است، منشوری ارزشمند است که در آن اساسی‌ترین راهبردها جهت نیل به تمدن نوین اسلامی ارائه شده است. این راهبردها از اندیشه و تجربه‌ی ارزشمند شخصیتی بیان شده که حداقل هفت یا هشت دهه از عمر بابرکت خویش را با غور در آموزه‌های اسلامی سپری کرده است.^۱ اندیشه‌های این شخصیت برجسته، با قرآن کریم - به عنوان مرجعی علمی، متقن، کاربردی، حاوی اندیشه‌های متعالی، هماهنگ با فطرت بشری و به دور از تحریف (مأئده/۱۵، روم ۳۰، فصلت/ ۴۲) - کاملاً عجین شده و می‌تواند راهگشای جامعه اسلامی ما جهت نیل به پیشرفت و تعالی تمدنی باشد (اسرا/ ۹). در بیانیه گام دوم که منشوری در جهت خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، به زیربناهای تمدنی و به تعبیری به آنچه در تمدن‌سازی اهمیت دارد، توجه شده است. سوالی که این نوشتار می‌کوشد به آن پاسخ دهد چنین است: زیربناهای تمدنی‌ای که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به آنها توجه داشته، شامل چه مواردی هستند و اگر این زیربناها دارای مبانی و حیانی هستند، این مبانی در آیات قرآن - به عنوان اصلی‌ترین متن دینی مسلمانان - چگونه مطرح شده‌اند؟ اگر اثبات شود که زیربناهای تمدنی در بیانیه گام دوم دارای مبانی و حیانی هستند - با توجه به جایگاه و اعتباری که قرآن کریم دارد - این امر می‌تواند، سبب اتقان هر چه بیشتر داده‌های بیانیه شود و این امر خود مقدمه‌ای جهت عمل به رهنمودهای رهبری جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

• پیشینه

پیش از این محسن قرائتی در کتاب بسیار مختصر «فردای روشن: مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» تلاش کرده مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب را بیان کند (قرائتی، ۱۳۹۸). هرچند در این کتاب، آیات بسیاری ناظر به محتوای بیانیه بیان شده، اما این نوشتار چند ایراد اساسی دارد. اولاً ساختار کتاب، ساختاری ضعیف و نارسا می‌باشد. در حقیقت مطالب کتاب بدون یک ساختار مشخص و طبقه‌بندی شده، پشت سر هم آمده‌اند. ثانیاً ایشان بیانات رهبری در بیانیه گام دوم را، برای خواننده مشخص نکرده است. بنابراین تفکیک میان مطالب ایشان با آنچه در بیانیه آمده، کار بسیار دشواری است. علاوه بر این‌ها نویسنده این

^۱ ایشان قبل از انقلاب با رویکرد اجتماعی و سیاسی به تفسیر قرآن می‌پرداختند. جلسات تفسیر قرآن ایشان برای طلاب و دانشجویان به صورت جداگانه برگزار می‌شد و معظم له تلاش می‌کردند جوانان را نیز با قرآن کریم آشنا کنند. در یکی از سخنان ایشان آمده است: در دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم؛ به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید...»

کتاب، بیانیه را به عنوان منشوری در مسیر تمدن‌سازی در نظر نگرفته به همین جهت آیات مورد استناد ایشان، در بسیاری از موارد ناظر به تمدن‌سازی نیستند.

وحید یاری و حانیه محمدی نیز در کتاب «مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» تلاش کرده‌اند مبانی بیانیه را مستند به آموزه‌های قرآنی بیان کنند. این نوشته نیز هر چند برخی از مبانی قرآنی بیانیه گام دوم را بیان کرده اما ناظر به مبانی تمدنی نیست.^۱ مقاله دیگری نیز به قلم یدالله حاجی زاده با عنوان «مبانی قرآنی و روایی راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب» منتشر شده که استنادات قرآنی آن بسیار اندک است و تاکید نویسنده بیشتر بر روایات است (حاجی زاده، ۱۴۰۰: ۹-۲۹). نوشتار حاضر تلاش می‌کند به منظور دست‌یابی علمی و روشمند به هدف خویش از موضوعی که طرح شد، ابتدا زیربناهای تمدنی را بدون توجه به بیانیه گام دوم بیان کند، سپس با مراجعه به متن بیانیه، محتوای آن از منظر تمدنی مورد توجه قرار گرفته و در مرحله بعد، مبانی و حیانی این موارد از قرآن کریم استخراج شده و مورد تحلیل و استناد قرار گیرد.

۱. مفهوم تمدن و تمدن نوین اسلامی

تمدن از نظر لغوی به معنای شهرنشین شدن، شهرنشینی، خلق و خوی شهری گرفتن و اقامت در شهر است (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵: ص ۹۴۲. معین، ۱۳۶۴، ج ۳: ص ۱۱۳۹). پیچیدگی‌های مفهومی تمدن و برداشت‌های متفاوت از این واژه، سبب شده در تعریف اصطلاحی آن وحدت نظری نباشد. هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷؛ هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۴۱) هنری لوکاس تمدن را پدیده‌ای در هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات، علم، فلسفه و دین را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰). ویل دورانت تمدن را نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده و جریان می‌یابد (دورانت، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳).

برخی از صاحب نظران تمدنی در تعریف اصطلاحی تمدن، هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی را مد نظر دارند. دکتر شریعتی در تعریف تمدن آورده است: «تمدن مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی» است. ایشان در توضیح ساخته‌ها و اندوخته‌ها آورده است: وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد... مقصود

^۱ یاری، وحید، و حانیه محمدی، مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، انتشارات حوزه مشق، ۱۳۹۹

از اندوخته عبارت است از : انباری از تجربه‌ها، داده‌ها و دانش‌ها و قراردادهای اختراعی گذشته یا دیگران که به جامعه به میراث می‌رسد (شریعتی، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۵). محمدتقی جعفری، مالک بن نبی (اندیشمند الجزایری) و فوکوتساوا یوکیچی (دانشمند ژاپنی) نیز تمدن را دارای دو وجهه مادی و معنوی دانسته‌اند (جعفری، ۱۳۹۸: ج ۵، ص ۱۶۱. سحرمانی، ۱۳۶۹: ص ۱۹۸. یوکیچی، ۱۳۶۳: ص ۱۱).

بنابراین بر اساس برخی از تعاریفی که از تمدن شده، این اصطلاح، مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز می‌شود و رویکرد تمدنی رویکرد عامی است که فرهنگ را نیز در بر دارد. مقام معظم رهبری نیز همین معنا از تمدن را مد نظر دارد. «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

«تمدن نوین» یا «تمدن نوین اسلامی» نیز اصطلاحی است که برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری به کار رفته و بارها در سخنان و نوشته‌های ایشان تکرار شده است. ایشان معتقد است تمدن نوین از دو بخش ابزاری و بخش متنی و اصلی (حقیقی) تشکیل شده است. بخش ابزاری عبارت است: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. بخش دوم که بخش متنی، اصلی و حقیقی تمدن نوین از منظر ایشان است، همان سبک زندگی است. (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳) بنابراین از منظر رهبری، تمدن و یا تمدن نوین، مفهوم عامی است که هم شامل نمادهای عینی دستاوردهای بشری می‌شود و هم مفاهیم معنوی را در بر دارد.

۲. زیربنای تمدنی از منظر تمدن پژوهان

شکل‌گیری و پیشرفت یک تمدن، وابسته به شرایط خاصی است که موجودیت و استمرار آن را تضمین می‌کند. تمدن پژوهان در برشماری «مبانی» و یا به تعبیر دیگری شاخصه‌ها، زیربنایها و یا عوامل موثر در پیدایی و پیشرفت تمدن‌ها، امور گوناگونی را ذکر می‌کنند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱-۲. علم

از منظر تمدن پژوهان، یکی از مهم‌ترین امور زیربنایی در تمدن‌ها توجه به مقوله علم و توسعه دانش است. گفته شده علم یکی از مهم‌ترین عناصری است که می‌تواند بستر مناسبی برای پیشبرد جامعه ایجاد کند (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۶، ۳۱). در حقیقت اقتدار علمی، زمینه‌ساز اقتدار نظامی، سیاسی، فرهنگی و... خواهد بود.

تعبیر «العلم سلطان» که توسط امیرالمومنین (ع) بیان شده (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ج ۲۰ / ۳۱۹)^۱ اشاره به همین اقتدار است. ابداعات و اختراعات بشری به عنوان نشانه‌های پیشرفت تمدن، همه در سایه علم و آگاهی به دست آمده‌اند. برخی از اندیشمندان بر این باورند علم در صورتی که همراه با خردمندی باشد و به تعبیری با درک راستین غایت‌های زندگی همراه باشد، یکی از عناصر ضروری پیشرفت آدمی می‌باشد (رک: مطهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۰).

۲-۲. کار و تلاش

کار و تلاش از دیگر عناصر تشکیل تمدن بشری است (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۶). کار و تلاش در کنار همه فواید فردی که ممکن است داشته باشد، از موجبات توسعه و پیشرفت جامعه نیز به شمار می‌رود. تمدن‌های بزرگ، حاصل کار و تلاش خستگی‌ناپذیر انسان‌ها به شمار می‌روند. به همین جهت است که گفته شده «تمدن محصول تلاش جمعی بشر» است (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۵).

۲-۳. دین و اخلاق

دین به عنوان مجموعه حقایق هماهنگ از نظام اعتقادی، ارزشی و عبادی که انبیاء (ع) آن را برای هدایت و تعالی انسان در دو ساحت فردی و اجتماعی در قالب وحی آورده اند (جعفری، ۱۳۹۹: ۲۵؛ کاشفی، ۱۳۸۴: ۴۵) در پیدایی و استمرار تمدن‌ها، عاملی ارزنده به شمار رفته است (دورانت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳؛ هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۴۰ و ۵۵؛ جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷). تعالیم انبیاء استعدادهای درونی و فطری انسان‌ها و نظام شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کردارها را هدایت و شکوفا می‌کند و به تکامل می‌رساند (کاشفی، ۱۳۸۴، ۴۵). دین با ظهور خویش دگرگونی ثمربخشی در اندیشه و روح انسان پدید می‌آورد، به عقل، علم و کار بها می‌دهد. دین حقیقی و واقعی، «فرهنگ»- به عنوان جوهره اصلی تمدن (کاشفی، ۱۳۸۴: ۴۵)- را تعالی می‌بخشد، طرز تفکر آدمیان را در جهت واقع‌بینی نو می‌کند و از سویی اخلاق و تربیت را اعتلا می‌بخشد و سنت‌ها و نظام‌های کهنه و دست و پاگیر را برانداخته (اعراف، ۱۵۷، انبیاء، ۶۴)، به جای آنها نظام‌هایی زنده و پایا می‌نشانند. در پرتو چنین تحولی، زندگی بهبود یافته و استعدادهای علمی، فنی، هنری، ادبی و... شکوفا می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۴، ۴۵-۴۶؛ اسلامی‌فرد، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲). علامه طباطبایی (ره) یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین را تمدن‌سازی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۱۶).

^۱ «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه»

اخلاق نیز از منظر تمدن پژوهان بدان جهت که عامل پیونددهنده اجتماع انسانی و عاملی در جهت رعایت حقوق دیگران است، در پیدایی و اعتلای تمدن نقش دارد (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۹). ویل دورانت یکی از چهار رکن شکل‌گیری تمدن را توجه به سنن اخلاقی برشمرده است (دورانت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳).

۲-۴. امنیت

امنیت که در واقع وضعیت مطلوبی از استقرار آرامش، ایمنی و آسودگی در مال و جان و آبروست، عامل دیگری است که عموم صاحب نظران آن را عاملی تمدن‌ساز معرفی کرده‌اند. ایجاد فضایی آرام توأم با امنیت می‌تواند زمینه‌ساز تعالی و پیشرفت جامعه شود. در مقابل، با وجود ناامنی و هرج و مرج، هرگز تمدن شکل مطلوب خویش را نمی‌یابد. به عقیده ویل دورانت «ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان یافته باشد. هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاو و نیاز به ابداع و اختراع به وجود می‌آید و انسان خود را تسلیم غریزه و فطرت می‌کند، تا او را به شکل طبیعی در راه کسب علم و معرفت و تهیه وسائل بهبود زندگی سوق دهد» (دورانت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳) قرآن کریم یکی از چند ویژگی تمدن موعود جهانی را نیز تبدیل ترس به امنیت معرفی کرده است (نور، ۵۵).

۲-۵. خردگرایی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دستیابی بشر به تمدن، عقل او بوده است. بشر با بهره‌گیری از عقل و خرد- به عنوان وجه امتیازش از حیوانات- توانسته است به پیشرفت‌های خارق‌العاده دست پیدا کند. به همین جهت است که از منظر تمدن‌پژوهان تعقل و خردگرایی نیز از دیگر عوامل پیدایی تمدن به شمار می‌رود (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۳۱). استاد محمدتقی جعفری بر این باور است «عقلی که با هماهنگی وجدان و فطرت و هدف‌گیری‌های معقول برای «حیات معقول» فعالیت می‌نماید، راه را برای پیشرفت مادی و معنوی انسان‌ها هموار می‌کند» (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۲۸۳). ایشان علاوه بر این با اشاره به برخی از آیات قرآن کریم می‌نویسد: «اگر انسان‌ها در روی زمین و در سرگذشت خویش و علل اعتلاء و سقوط جوامع بررسی و دقت کافی داشته باشند، تعقل و شنوایی آنان درباره واقعیات پیشرفت خواهد کرد. این همان عقل تجربی است که موجب بروز و افزایش دانش‌ها و بینش‌های جدید می‌شود» (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۱۰۳).

۲-۶. توجه به امور اقتصادی

توجه به امور اقتصادی و یا به عبارتی سازمان فعال اقتصادی دیگر مولفه پیدایی تمدن است (جان‌احمدی، ۱۳۸۷: ۳۱). ویل دورانت از این عامل با عنوان «پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی» یاد کرده است (دورانت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳).

۷-۲. وحدت و یکپارچگی

حفظ وحدت و یکپارچگی نیز از دیگر عوامل زیربنایی تمدن به شمار می‌رود (جان‌احمدی، ۱۳۸۷: ۳۱). این عامل از منظر برخی با عنوان «غرور و همبستگی ملی» یا «عصبیت» از آن یاد شده است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۶۹). برخی گفته‌اند «وحدت و همبستگی ملی در واقع روح اصلی هر تمدنی است عاملی که انگیزه لازم را فراهم می‌آورد و تعاون و همکاری گروهی مشخص و هدفمند را شکل می‌دهد» (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳-۳۴). از منظر امام علی (ع) نیز الفت و همگامی عامل کسب عزت، موجب ناامیدی دشمنان و موجب پیشرفت و تعالی جامعه است. (نهج البلاغه (صبحی‌الصالح)، خطبه ۱۹۲، ص ۲۹۵).

۸-۲. تساهل و تسامح

تساهل از ریشه سهل، به معنای آسان‌گیری در کار، موافقت با دیگری (فیومی؛ بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۸. موسی؛ ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۸)، عملی که در آن شدت و تنگی نیست (فیروزآبادی؛ ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۰۱۷)، ملایمت، ارفاق، عدم خشونت، گذشت و چشم‌پوشی (فراهیدی؛ بی‌تا، ج ۴، ص ۷. ابن منظور؛ ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۴۹) آمده است. تسامح نیز از ریشه سَمَحَ به معنای بخشش، سخاوت، بلندنظری، آسان‌گرفتن، مدارا کردن، کوتاه آمدن و فروگذار کردن آمده است (فراهیدی؛ بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۵. ابن منظور؛ ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۸۹). از نظر اصطلاحی تساهل و تسامح بر «اجازه دادن بردبارانه، بدون شکایت و آگاهانه به تنوع‌ها و گوناگونی‌ها» اطلاق می‌شود (بیات و دیگران؛ ۱۳۸۱: ص ۲۱۴؛ آشوری، ۱۳۷۹: ص ۱۸۳). رواداری روشی عملی و این جهانی است که صرف نظر از حق یا باطل بودن دین‌ها، مکتب‌ها و منش‌ها، یا سعادت و شقاوت آنان، به زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها و به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی آنان می‌پردازد (موحدی ساوجی؛ ۱۳۸۷: ص ۱۲۶).

تساهل و تسامح و به تعبیر برخی «رواداری» از دیگر اموری است که به عنوان عامل زمینه‌ساز و زیربنایی تمدن از آن یاد شده است. برخی بر این باورند که صبوری و تحمل و یا به تعبیری پذیرش کسانی که از جهت فکری و مذهبی با ما همخوان نیستند، عاملی است که می‌تواند، زمینه ساز تمدن شود. دکتر زرین کوب تسامح را مادر تمدن انسانی اسلام دانسته است (زرین کوب، ۱۳۸۷، ص ۵). استفاده از واژه «مادر» برای تسامح نشان از این است که از منظر این اندیشمندان، تسامح اصل و اساس زایش تمدنی به شمار می‌رود.

۲-۹. سایر عوامل

عوامل دیگری نیز در پی‌ریزی و ساخت و اعتلای تمدن‌ها نقش دارند که شاید در درجه دوم اهمیت قرار داشته باشند. به عنوان نمونه جنگ و درگیری با دشمنان هر چند عمدتاً عامل تباهی و ویرانی است، اما در برخی از شرایط ممکن است سبب پیشرفت و تعالی تمدنی نیز بشود. شهید مطهری می‌نویسد: «مسئله جنگ‌ها در پیشرفت تمدن مؤثر بوده‌اند چون دو گروه که با هم می‌جنگند در هر دو طرف حرکت ایجاد می‌شود، رقابت ایجاد می‌شود، دانشمندان دو طرف تمام فکر و ابتکارشان را به کار می‌اندازند و شرایط دیگری به وجود می‌آید که همه و همه تمدن را مقدار زیادی به پیش می‌برند» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۶۳۴).

عامل تاثیرگذار بعدی، مشورت‌گیری و به تعبیری پرهیز از استبداد و خودرایی است. مشورت عاملی است در جهت دستیابی به گزینه‌های بهتر و در نتیجه سبب پیشرفت فرهنگی و تمدنی می‌شود. مشورت یعنی به کارگیری ذهن‌های خلاق، پویا، توانمند و مدیر جامعه.

بهره‌گیری از تجربه گذشته به عنوان اندوخته‌ای ارزشمند، عامل دیگری است که از منظر تمدن پژوهان می‌تواند به رشد و اعتلای تمدن کمک کند. تجارب گذشته که همراه با دستاوردهایی ارزنده برای بشر به دست آمده‌اند، دانش و بینش بشری را تقویت می‌کنند و موجبات پیشرفت تمدن بشری را فراهم می‌سازند (رک: جعفری، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۱۰۳).

۳. محتوای بیانیه از منظر تمدنی و مبانی قرآنی آن

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، مبانی و زیربناهای اساسی جهت رشد و اعتلای کشور را مطرح کرده که بی‌شک بسیاری از این مبانی، متأثر از شخصیت ایشان به عنوان یک اندیشمند مسلمان و معتقد به قرآن می‌باشد. این توضیح را همین جا باید اضافه کرد که قرآن کریم زندگی مادی و معنوی انسان‌ها را جدای از هم نمی‌داند و تلاش دارد، ضمن اینکه به زندگی مادی صبغه توحیدی می‌دهد، توازن میان دو بخش مادی و معنوی را به مخاطبانش تفهیم کند (رک: اعراف / ۳۲، غافر / ۳۹، هود / ۶۱، روم / ۷، نجم / ۲۹-۳۰، یوسف / ۵۵). سوگمندها باید اعتراف کرد که این راهبرد متوازن قرآنی در برخی از موارد توسط مسلمانان مورد غفلت واقع شده و آسیب‌های آن را در طول تاریخ بر فرهنگ و تمدن اسلامی دیده‌ایم. خوشبختانه در بیانیه گام دوم به این راهبرد ارزنده و اعتلابخش توجه شده است. در ادامه به مهم‌ترین مبانی تمدنی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای توجه می‌شود و تلاش بر این است مبانی و حیانی این امور زیربنایی بیان شود.

۳-۱. امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

از منظر رهبری در راس سرفصل‌های اساسی جهت نیل به تمدن نوین اسلامی، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده قرار دارد. ایشان ضمن اشاره به سرفصل اساسی نیل به تمدن می‌فرماید: «اما پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم» در ادامه ایشان ضمن اشاره به تبلیغات ناامید کننده توسط دشمنان به عنوان برنامه همیشگی ایشان، در توصیه خویش به جوانان می‌فرماید: «شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است... قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده، خیز بردارید و حماسه بیافرینید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۴).

آموزه‌های وحیانی و توصیه به امیدواری

در آموزه‌های وحیانی نیز یکی از سفارش‌ها، سفارش به امیدواری است. از منظر قرآن کریم «امید» عاملی مهم در حرکت و زندگی بشر به شمار می‌رود. در آیه ۱۸۶ سوره بقره امید به استجاب از سوی خداوند، انگیزه درخواست از خداوند و طلب از ذات باری تعالی می‌شود. (بقره/ ۱۸۶) طبق آیات ۷ و ۸ سوره یونس نیز امید به آینده‌ی درخشان‌تر دنیوی و اخروی است که سبب می‌شود افراد به تصحیح باورها و کنش‌ها و واکنش‌های خویش بپردازند (یونس/ ۷ و ۸).

۳-۲. توجه به مقوله علم و پژوهش

اولین توصیه مقام معظم رهبری در راستای نیل به تمدن نوین اسلامی توجه به مقوله علم و پژوهش است. از منظر ایشان «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۵). در این عبارات، رهبری بر اهمیت مقوله علم و دانش به عنوان یکی از مهم‌ترین زیربناهای تمدنی که سبب عزت و قدرت کشورهاست تاکید کرده و بر این مطلب تاکید دارد که علم در دست هر کس که باشد - اعم از مسلمان یا کافر - از کارآمدترین ابزارها در جهت رشد و اعتلای تمدنی است.

آموزه های وحیانی و مقوله علم

در قرآن کریم نیز بر اهمیت و جایگاه علم و دانش تاکید شده است. در این کتاب آسمانی در آیات متعددی ارزش و اهمیت مقوله دانش بیان شده است. این اهمیت به قدری است که حتی در اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم(ص) واژه های مرتبط با مقوله علم، چندین بار تکرار شده اند (رک: علق / ۱-۵) وجود این آیات در صدر نزول آیات وحیانی، به تعبیر یکی از اندیشمندان اعلام این مطلب است که عهد قرآن، چیزی که قرآن بر آن تاکید دارد) عهد خواندن، نوشتن، یاد دادن، علم و عقل است (مطهری، بی تا: ۳ / ۱۷۵).

قرآن کریم در آیات دیگری نیز بر اهمیت و فایده مندی مقوله علم و آگاهی تاکید کرده (زمر / ۹، مجادله / ۱۱، بقره / ۲۶۹، آل عمران / ۷ و ۱۸، نحل / ۷۸، انعام / ۵۰، هود / ۲۴)، عالمان را ستوده (زمر / ۹، مجادله / ۱۱) و تعلیم را در کنار تزکیه از برنامه های اساسی پیامبر اکرم(ص) دانسته است (جمعه / ۲). علاوه بر این در قرآن کریم مسائلی به عنوان موضوع تفکر و مطالعه پیشنهاد شده (رک: روم / ۸، آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱) که نتیجه مطالعه بر روی آنها توسط مسلمانان سبب پیشرفت در علوم مختلف طبیعی شده است.

برخی از محققان شمار آیات علمی قرآن کریم را از ۶۷۵ تا ۱۳۲۲ آیه برشمرده اند (رک: الویری، ۱۳۹۴: ۶۲) امری که به نوبه خود نشان از توجه این کتاب تمدن ساز به مقوله علم در راستای پیشرفت جامعه است. علامه طباطبایی پس از مرور بر برخی از آیات علمی قرآن می نویسد: «قرآن به تعلم علوم طبیعی، ریاضی، فلسفی، فنون ادبی و بالاخره همه علوم که در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد، دعوت می کند» (طباطبایی، بی تا: ۱۳۴). ایشان در مورد دیگری بیان کرده «به جرات می توان گفت عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آنها، به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام، همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود (طباطبایی، بی تا: ۱۳۹).

عزت و سربلندی و تاکید بر نفی سلطه بیگانگان به عنوان خواسته مقام معظم رهبری - که راهبرد آن از منظر رهبری، توجه به علم است - نیز مقوله ای است که در آیات قرآن کریم به آن توجه شده است (منافقون / ۸، نساء / ۱۴۱، هود / ۱۱۳، بقره / ۱۲۰، مائده / ۵۱). بنابراین از منظر قرآن کریم، علم از سرفصل های اساسی است که جهت پیشرفت و تعالی، به بشر سفارش شده است.

۳-۳. اخلاق و معنویت و پرهیز از فساد

در بیانیه گام دوم، یکی دیگر از توصیه‌ها در کنار توصیه‌های مادی، توصیه به معنویت و اخلاق به عنوان مقوله‌ای که می‌تواند همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی را جهت‌بخشی کند، می‌باشد. معنویت از منظر رهبری توجه به ارزش‌هایی چون اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است اموری که وجود آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آنها حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۷).

ایشان در این زمینه دو گروه را مورد خطاب قرار داده و از آنان می‌خواهد به این مقوله توجه داشته باشند. ایشان در مرحله اول ضمن اشاره به مسئولیت کارگزاران حکومتی از آنان می‌خواهد هم خودشان منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و هم زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند. در مرحله بعد رهبری به مسئولیت اشخاص و نهادهای غیرحکومتی اشاره کرده است. ایشان معتقد است در گام دوم انقلاب می‌بایست با تنظیم و اجرای برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت، به گسترش معنویت و اخلاق کمک شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۸).

از منظر مقام معظم رهبری در صورتی که علم توأم با اخلاق نباشد، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. کما اینکه در غرب بی‌توجهی به مقوله اخلاق و تأکید صرف بر مقوله علم، سبب انحرافات در این زمینه شده است. ایشان می‌فرماید: «ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۵).

راهکار مبارزه با بی‌اخلاقی و فساد از منظر رهبری توجه به مقوله عدالت است. این دو از منظر ایشان لازم و ملزوم یکدیگر هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۱). این بدان معناست که جهت برپایی عدالت باید با فساد مبارزه شود و جهت مبارزه با فساد باید عدالت در بخش‌های گوناگون اجرا شود. راهکارهای رهبری در جهت کسب عدالت و مبارزه با فساد، وجود دستگاه‌های نظارتی و ارزشیابی و تلاش در جهت رفع محرومیت‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۲-۴۴).

علاوه بر این رهبری در راستای نهادینه سازی اخلاق و معنویت در جامعه به نقش حکومت‌ها اشاره دارد. ایشان ضمن اشاره به لزوم برخورداری از منش اخلاقی و ایجاد زمینه‌های آن توسط حکومت‌ها به لزوم

مبارزه با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق اشاره کرده که مبدا اینان که رهبری تعبیر «جهنمی‌ها» را برای آنان به کار برده، مردم را فریب دهند.

قرآن کریم و مقوله معنویت، اخلاق و عدالت

یکی از زیربناهای تمدنی و یکی از کلیدهای اساسی تمدن که قرآن کریم به آن توجه دارد، توجه به مقوله اخلاق و معنویت است. آموزه اخلاق و تزکیه نفس از سفارش‌های همیشگی قرآن کریم به انسان‌هاست (رک: بقره/ ۱۲۹، ۱۷۷، ۱۹۵، آل عمران/ ۱۶۴، قصص/ ۱۷، جمعه/ ۲). قرآن کریم در راستای نیل به تمدن به رعایت اخلاق و به تعبیری تبعیت از سنت‌های اخلاقی سفارش کرده است. از طرفی در آموزه‌های وحیانی، یکی از مهم‌ترین علل سقوط و انحطاط جوامع، بی‌توجهی به سنن اخلاقی است. به عنوان نمونه گسترش گناه و فساد در جامعه، از موجبات هلاکت برشمرده شده است. «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/ ۱۶).

قرآن کریم مصادیق جوامعی که در اثر بی‌توجهی به اخلاق و معنویت گرفتار عذاب و نابودی شده‌اند را معرفی کرده است. در سوره اعراف ضمن اشاره به اعزام حضرت شعیب (ع) به سوی مدین، از دعوت او به پرستش خداوند، رعایت امور اخلاقی از جمله عدم خیانت در داد و ستد و عدم افساد در زمین سخن به میان آمده است (اعراف/ ۸۵). علامه طباطبایی با توجه به مضمون این آیات نقش فساد اقتصادی در انحطاط و عقب ماندگی جامعه را بیان کرده است. از منظر ایشان اجتماعی قابل دوام است که افراد به منظور رفع حوائج هم به یکدیگر کمک کنند و این امر در صورتی امکان پذیر است که مردم در داد و ستد خویش اهل خیانت نباشند و در غیر این صورت، امنیت جامعه که محور چرخ اجتماع انسانی است از بین رفته و این امر سبب نابودی کشت و زرع و انقراض نسل انسان می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸۹/۸). در برخی دیگر از آیات قرآن کریم بیان شده که یکی از سنت‌های الهی این است که اگر تغییری در رفتار مردم پدید آید، نعمت‌های الهی نیز به تناسب آن تغییر خواهد کرد. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/ ۵۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد/ ۱۱). آیات مذکور یکی از سنت‌های الهی را این گونه بیان می‌کنند که توجه مردم به معنویت و اخلاق، سعادت‌مندی و پیشرفت را برای آنان به ارمغان خواهد آورد و هرگاه به فساد و اباحه‌گری روی آورند، خداوند نیز موجبات انحطاط و سقوط آنان را فراهم می‌کند.

آنچه از آیات قرآن کریم برداشت می‌شود این است که رعایت عدالت به عنوان مهم‌ترین رسالت پیامبران (حدید/۲۵) و به عنوان دستور خداوند به آخرین فرستاده خویش (شوری/۱۵) تأثیر زیادی در پایداری، رشد و اعتلای جوامع دارد. در قرآن کریم در مواردی به اقوامی اشاره شده که در اثر بی‌توجهی به مقوله عدالت گرفتار انحطاط و سقوط شده‌اند (رک: انبیاء/۱۱، هود/۱۰۲)^۱.

آنچه در سخنان رهبری در خصوص تأکید بر معنویت و اخلاق و پرهیز بی‌اخلاقی و رعایت عدالت آمده، در واقع حقایقی است برگرفته از آموزه‌های وحیانی که در آنها کسب سعادت و دستیابی به اعتلا و پیشرفت، منوط به کار بست معنویت و اخلاق و پرهیز از فساد و بی‌عدالتی است. شاهد سخن کلامی از ایشان است که می‌فرماید: یک عده‌ای به خطا تصور می‌کنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند اینها از غرب به عالم اسلام آمده است، یا متفکرین اسلامی اینها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ ... بنابراین اینها مفاهیم قدیمی اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

۳-۴. اقتدار اقتصادی

بدون شک یکی از ضروریات هر جامعه متمدنی برخورداری از اقتصادی قوی، مقتدر، مستقل و کارآمد است. لزوم دستیابی به اقتصاد قوی به عنوان یکی از امور زیربنایی تمدن، مورد تأکید و توصیه مقام معظم رهبری است و ایشان در این زمینه به ارائه راه حل پرداخته و از لزوم استفاده از ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی سخن گفته است. رهبری ضمن اینکه فرصت‌های مادی کشور را شامل فهرستی طولانی و ارزشمند می‌داند که مدیران کارآمد و پرانگیزه می‌توانند از این فرصت‌ها جهت نیل به تمدن نوین اسلامی بهره گیرند، در بخشی از بیانات خویش آورده است: «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز

^۱ «وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَرْسَلْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» «وَ كَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ»

بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۳)

بنابراین از منظر رهبری، اقتصاد در حقیقت ابزاری مهم و سرنوشت‌ساز جهت دستیابی به مهم‌ترین هدف جمهوری اسلامی یعنی تمدن نوین اسلامی است. از منظر ایشان کشور می‌بایست در بخش تولید پیشرفت کند تا اقتصاد ملی به رتبه‌های برتری دست یابد. در بخشی از بیانیه گام دوم آمده است: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۹).

آنچه در این‌جا بر آن تأکید شده این است که اقتصاد از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند ما را در دستیابی به اهداف انقلاب یاری دهد. رهبری در بخش دیگری از سخنان خویش در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۹). تأکیدات مکرر رهبری بر تولید فراوان و با کیفیت، توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و پرهیز از اسراف، از مهم‌ترین زیربناهایی است که ایشان در راستای نیل به تمدن نوین اسلامی به عنوان تمدنی که می‌تواند حال و آینده مردم را به نحو شگفت‌آوری متحول سازد، بر آن تأکید کرده است.

در اقتصاد، کلید واژه اصلی که رهبری همواره بر آن تأکید دارد، «اقتصاد مقاومتی» است. در اقتصاد مقاومتی علاوه بر توجه به «راهکارهای تقویت‌افزا» شامل درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای، به «راهکارهای عیب‌زدا» همانند برطرف ساختن عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی، تصدّی‌گری نکردن دولت، رفع محرومیت‌ها، مبارزه با فساد اقتصادی و رفع وابستگی اقتصادی به نفت نیز توجه شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۰).

از منظر مقام معظم رهبری راهکار دستیابی به اقتصاد مقاومتی کار و تلاش مجاهدانه است. در سخنان رهبری در بیانیه گام دوم بارها به کار و تلاش در راه دستیابی به آرمان‌ها توجه و تأکید شده است. در یک مورد ایشان ضمن اشاره به برخی از محرومیت‌ها در کشور می‌فرماید: «دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۰). رهبری از جوانان می‌خواهد «شانه خود را زیر بار مسئولیت دهند و با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار

ببندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۰). ایشان در بیانیه گام دوم ضمن اشاره به جهادهای بزرگ، افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آوری که در چهل سال اولیه پیروزی انقلاب اسلامی به دست آمده، عامل اصلی دستیابی به این موفقیت‌ها را مدیریت‌های جهادی و روحیه اعتماد به نفس دانسته است. «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۹).

قرآن کریم و اقتدار اقتصادی

پیش از این اشاره شد که قرآن کریم خواسته‌های مادی بشری را در کنار خواسته‌های معنوی‌اش به رسمیت شناخته است. این کتاب آسمانی از این رو که شکل‌گیری حیات معنوی را در دل حیات مادی می‌داند و از طرفی خواستار عزت و استقلال مومنان است، اقتدار اقتصادی را پذیرفته (اعراف/۱۰)^۱ و بر تلاش و برنامه‌ریزی جهت دستیابی به آن تاکید دارد (قصص/۷، هود/۶۱، یوسف، ۴۷-۴۸)^۲. همچنین قرآن کریم به تمکن مادی برخی از اقوام گذشته اشاره کرده و آن را به عنوان امری مطلوب پذیرفته است (سبا/۱۵، کهف/۸۴)^۳.

در قرآن کریم همواره بر کار و تلاش به عنوان آموزه‌ای جهت نیل به پیشرفت سخن به میان آمده است. در این کتاب آسمانی در موارد متعددی از تلاش و کوشش و به تعبیری مجاهده سخن به میان آمده و تلاش‌گران مورد ستایش قرار گرفته‌اند (رک: بقره/۲۱۶، حج ۷۸، نساء ۹۵). بر اساس آموزه‌های وحیانی انسان‌ها با کار و تلاش می‌توانند به خواسته‌های خویش دست یابند «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) به عبارتی قرآن کریم در کنار مشیت تکوینی خداوند، نقش اراده انسانی - که در قالب کار و تلاش نمود پیدا می‌کند - را در رشد و اعتلای زندگی مادی نیز پذیرفته است. در سنت نبوی گاه همین کار و تلاش به عنوان «جهاد در راه خدا» معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۸۸). بر اساس یکی دیگر از آیات قرآن کریم، اراده و عمل شرط رسیدن به وضع مطلوب است (رعد/۱۱)^۴.

^۱ «وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»

^۲ «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا...»

^۳ «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جِئَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ» «إِنَّا مَكَنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا»

^۴ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

در آیه ۱۰ سوره جمعه نیز ضمن لزوم توجه به معنویات، فلاح و رستگاری در حرکت و تلاش جهت کسب روزی دانسته شده است. «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». بر اساس یکی دیگر از آیات قرآن کریم، مجاهده در راه خدا سبب گشایش در زندگی است. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) اسلام در کنار توصیه به کار و تلاش، رهبانیت و گوشه‌گیری از اجتماع را نهی کرده است و به بهره‌گیری از مواهب مادی سفارش کرده است (اعراف / ۳۲). علاوه بر این‌ها قرآن کریم به مقوله «تولید با کیفیت» در راستای استقلال اقتصادی نیز توجه کرده است (انبیاء / ۸۰، ص ۳۷).

دقت در سخنان رهبری که مدیریت جهادی را برگرفته از ایمان اسلامی دانسته، نشان می‌دهد توجه به مقوله مجاهده و سخت‌کوشی و کار و تلاش در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، الهام گرفته از اندیشه‌های قرآنی ایشان است. قرآن کریم ضمن تلاش در جهت اعتمادبخشی و ایجاد اعتماد به نفس در میان پیروانش، صراحتاً برتری و پیشرفت را مرهون دین داری و ایمان دانسته است (آل عمران، ۱۳۹).

۳-۵. خردگرایی

از دیگر شاخصه‌های زیربنایی تمدن که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به آن توجه کرده و این شاخصه همانند سایر موارد، دارای زیربنایی و حیانی است، مساله عقلانیت یا به تعبیری خردگرایی است. از منظر رهبری عقلانیت در کنار برخی دیگر از امور، از جمله شاخصه‌هایی است که هرگز غبار کهنگی بر آن نخواهد نشست و بشر همواره به منظور دستیابی به پیشرفت‌های مادی و معنوی خویش به آن نیازمند است. در بخشی از سخنان رهبری در بیانیه گام دوم آمده است: «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۳).

ایشان در بخش دیگری از بیانیه، خردمندی کارگزاران نظام و مدیران کشور را لازمه بهره‌گیری از فرصت‌های مادی کشور دانسته است. «فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۲).

همچنین از منظر رهبری، مدیریت خردمندانه در کنار سایر عوامل، از موجبات تقویت اقتصاد کشور به شمار می‌رود. در بخشی از بیانیه آمده است: «تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۹).

خردگرایی در قرآن

جایگاه عقل و خرد از منظر قرآن کریم جایگاه بسیار والایی است. این کتاب آسمانی به پیروان خویش سفارش می‌کند به منظور هدایت دیگران به اسلام، حقیقت دین را با استدلال و با منطق عقلی بیان کنند (نحل/ ۱۲۵). در قرآن بارها انسان‌ها به بهره‌گیری از عقل به منظور پیشبرد امور خویش سفارش شده‌اند (زمر/ ۱۸، ابراهیم/ ۵۲، ص/ ۲۹). همچنین صاحبان خرد در قرآن کریم همواره مورد تمجید و ستایش قرار دارند و کسانی که از این نعمت خدادای بهره نمی‌برند، به شدت مورد توبیخ و سرزنش قرار گرفته (یونس/ ۱۰۰) و به عنوان بدترین جنبندها (انفال/ ۲۲) و به عنوان افراد کور و کر و لال معرفی شده‌اند (بقره/ ۱۷۱). همچنین بر اساس آموزه‌های وحیانی، این خردمندان هستند که با آگاهی از دیدگاه‌های مختلف، بهترین را بر می‌گزینند (زمر/ ۱۸).

۳-۶. لزوم شناخت و بهره‌گیری از تجربه پیشین

پیش از این اشاره شد که یکی از امور زیربنایی در تمدن توجه و استفاده از تجربه گذشته است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم در مواردی از لزوم بهره‌گیری از تجربه گذشته سخن گفته است. در یک مورد که در چند سطر گذشته به آن اشاره شد ایشان از لزوم به کارگیری تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته سخن به میان آورده است. در بخش دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب ضمن بیان این مطلب که «نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست» و ضمن اشاره به لزوم نزدیک ساختن انقلاب اسلامی به آرمان بزرگش یعنی «تمدن نوین اسلامی»، آمده است: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷). در این جا راهبرد لزوم شناخت گذشته و درس گرفتن از تجربه پیشین به قدری مهم نشان داده شده که غفلت از آن، خسارتی بزرگ به شمار رفته است.

اهمیت ضرورت بهره‌گیری از تجربه‌ها سبب شده باز هم در بیانیه گام دوم بر آن تاکید شود. در بخش دیگری از بیانیه، از ضرورت تداوم مسیر طی شده - به عنوان قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی - سخن گفته شده سپس در کلام ایشان آمده است: «مدیران جوان، کارگزاران جوان... باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند... و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۰). بنابراین آنچه به عنوان یکی از امور زیربنایی تمدن در سخنان رهبری بر آن تاکید شده بهره گرفتن از تجاربی است که می‌تواند بسیار مفید و ثمر بخش باشد.

لزوم پندآموزی از تجربه در قرآن

در قرآن کریم بارها به لزوم بهره‌گیری از تجربه گذشتگان تاکید شده است. در این کتاب آسمانی به منظور پندآموزی و تجربه‌گیری از زندگی پیشینیان، داستان‌هایی نقل شده و حتی در مواردی تصریح شده که این داستان‌ها با هدف پندآموزی و تجربه‌گیری بیان شده است (رک: یوسف / ۱۱۱، اعراف / ۱۷۶، نازعات / ۲۶).

۷-۳. مردم سالاری و بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت‌های مردمی

بیان شد که یکی از امور زیربنایی در تمدن، مشورت‌گیری و پرهیز از استبداد و خودرایی است. در سخنان مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم نیز به این امر زیربنایی توجه شده است. در بخشی از بیانیه گام دوم ضمن اشاره به استبدادی بودن رژیم سلطنتی پهلوی که هیچ توجهی به اراده مردم نداشت، وقوع انقلاب اسلامی را تبدیل این رژیم استبدادی به حکومتی مردمی و مردم سالار دانسته است. ایشان در ادامه عنصر اراده ملی را جانمایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی دانسته است که در کانون مدیریت کشور وارد شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۰). در بخش دیگری از بیانیه گام دوم به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی مغفول اشاره شده است. «نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۱).

در ادامه ایشان نیروی انسانی مستعد، کارآمد و با ایمان را مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور دانسته و با اشاره به جمعیت جوان آماده به کار، دارای روحیه انقلابی کشور که بسیاری از آنان دارای تحصیلات عالی نیز هستند، ثروت عظیمی دانسته که هیچ اندوخته مادی با آن قابل قیاس نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۱).

در آموزه های وحیانی نیز بر مشورت‌گیری از دیگران تاکید شده است (شوری، ۳۸) لزوم مشورت‌خواهی از دیگران که در آیه مذکور به عنوان یکی از دستورات دینی به پیامبر اکرم (ص) داده شده، در راستای دستیابی به موفقیت، پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی بوده است.

۳-۸. امنیت

مقوله امنیت از دیگر زیربناهای تمدنی، در مواردی در بیانیه دوم مورد توجه قرار گرفته است. در این بیانیه هرچند رهبری صراحتاً امنیت را به عنوان عاملی تمدن‌ساز در کنار سایر عوامل ذکر نکرده، اما یکی از برکات پیروزی انقلاب اسلامی را ایجاد و تضمین امنیت و ثبات در کشور دانسته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۰). از طرفی باید توجه شود که از منظر رهبری، «انقلاب اسلامی» به عنوان دوره‌ای تمدن‌ساز که گام اول چهل ساله تمدن‌سازی آن به پایان رسیده و وارد گام دوم شده و به عنوان دوره‌ای که «به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور را که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار داد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۰) معرفی شده است. ضمیمه کردن این موارد به یکدیگر نشان می‌دهد که یکی از ثمرات پیروزی انقلاب اسلامی ثبات و امنیتی است که حاصل آن پیشرفت جامعه بوده است. این امنیت که بخشی از آن در اثر پیشرفت در تولید تسلیحات نظامی است، مورد توجه رهبری در بیانیه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۹).

قرآن کریم و مقوله امنیت

قرآن کریم نیز مقوله امنیت و ثبات اجتماعی و فقدان ترس را از شاخص‌های جامعه مطلوب و در حال پیشرفت برشمرده است (قریش / ۴). بر اساس یک تمثیل قرآنی نیز در معرفی یک جامعه الگو، استقرار امنیت و آرامش همگانی نشانه آشکار بلوغ و کمال جامعه به شمار می‌رود و در مقابل، زوال و سلب امنیت، نشانه سراشیبی و سقوط تمدن است (نحل / ۱۱۲؛ سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ص ۷۵).

همچنین در قرآن کریم به مقوله امنیت در پرتو توان نظامی بالا اشاره شده است. در آیه ۶۰ سوره انفال به مسلمانان دستور داده شده به منظور حفظ امنیت خویش در برابر دشمنان، تمامی توان خویش را در فراهم ساختن تجهیزات نظامی به کار گیرند (انفال / ۶۰). در یکی دیگر از آیات قرآن کریم از امت اسلامی

درخواست شده به گونه‌ای عمل کنند که دشمنان اسلام صلابت و پایداری آنان را دریابند(نساء/ ۷۱، توبه ۱۲۳).

نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب که در حقیقت منشوری در جهت خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی توسط مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای ارائه شده، حاوی راهبردهای اساسی است که کاربست آن می‌تواند جامعه اسلامی ما را به هدف اصلی‌اش یعنی تمدن نوین اسلامی رهنمون شود. در این بیانیه ارزشمند، زیربناهای اساسی دستیابی به تمدن، مورد توجه قرار گرفته و مورد تاکید و سفارش معظم‌له هستند. توجه به این مساله که آیا این زیربناهای وحیانی برخوردارند یا خیر و آیا می‌توان گفت رهبری در ارائه بیانیه، متأثر از آموزه‌های وحیانی بوده است، نشان از این است زیربناهای تمدنی که در بیانیه به آنها توجه شده، دارای پشتوانه وحیانی هستند. از منظر تمدن پژوهان اموری چون علم، کار و تلاش، دین و خلاق، خردگرایی، توجه به امور اقتصادی، وحدت و یکپارچگی، تساهل و تسامح و عواملی دیگر چون بهره‌گیری از تجارب ارزشمند دیگران از مبانی و از زیربناهای تمدنی به شمار می‌روند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به بسیاری از این موارد پرداخته و نقش و جایگاه هر یک از آنها را در پی‌ریزی و ساخت تمدن نوین اسلامی بیان کرده است. از منظر ایشان اموری چون امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده، توجه به مقوله علم، اخلاق و معنویت، اقتصاد قوی، خردگرایی، لزوم شناخت و بهره‌گیری از تجربه گذشتگان، مردم‌سالاری و نهایتاً امنیت، مهم‌ترین مواردی هستند که توجه به آنها و کاربست آنان در زندگی می‌تواند زمینه هر چه سریع‌تر دستیابی به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازند. بررسی این موارد از منظر آیات الهی نشان می‌دهد تمامی این موارد، دارای پشتوانه و ریشه قرآنی هستند و الهام گرفته از آیات تمدن‌ساز قرآن کریم می‌باشند.

کتابنامه

• قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۹.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد(۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

^۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ...» «...وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»

۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، بیروت، دار صادر.
۵. اسلامی فرد، زهرا (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، قم، نشر معارف، چاپ اول.
۶. الویری، محسن (۱۳۹۴)، کارکرد تمدنی قرآن یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی، فصلنامه نقد و نظر، ساب یستم، شماره ۴، ص ۵۵-۷۶.
۷. بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۸)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. جعفری، محمد تقی (۱۳۹۹)، فلسفه دین، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۲. حاجی زاده، یدالله (۱۴۰۰)، مبانی قرآنی و روایی راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال هشتم، شماره ۱۵، ص ۹-۲۹.
۱۳. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی اوقاف و امور خیریه، اول.
۱۴. دورانت، ویل (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ ش.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، سیزدهم.
۱۷. سحمرانی، اسعد، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آئینه‌وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، اول.
۱۸. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۹۳)، شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۹، ص ۶۱-۸۲.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ: ۲.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، قرآن در اسلام، مشهد، طلوع.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، العین، قم، هجرت.

۲۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق) قاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیه،
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، موسسه دار الهجره، بی تا، دوم.
۲۴. قرائتی، محسن، فردای روشن: مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
۲۵. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، اول.
۲۶. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما، عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران، دانشگاه تهران، هفتم.
۲۹. موحدی ساوجی، محمد حسین، رواداری از منظر قرآن کریم و سنت، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پنجم، ۱۳۸۷، شماره ۱۰، ص ۱۲۵-۱۵۹.
۳۰. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰)، الافصاح فی فقه اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۱. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
۳۲. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰)، تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو سرتیپ احمدی، تهران، کتاب سرا.
۳۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳۴. یوکیچی، فوکوتساوا، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گیو، ۱۳۶۳، اول.